روزنامه ای برای گلستان،مازندران و سمنان
عید سعید قربان و هفته دفاع مقدس گرامیباد
گلشن مهر
چهارشنبه ۱ مهرماه ۱۳۹۴/ سال هفدهم / شماره ۱۳۶۸ / ۴ صفحه / ۵۰۰تومان

سال همدلی و همزبانی دولت و ملت
مرجان کار
تولیدکننده بلوک سقفی و تیغه دیواری
و خرپای فلزی و تیرچه های صنعتی
www.marjankar.com
در خدمت توسعه مسکن در شمال کشور
تلفن کارخانه: ۳۲۱۶۴۵۲۹-۳۲۱۶۴۵۲۵
دفتر فروش: ۳۲۱۶۴۵۲۷-۳۲۱۶۴۴۵۷

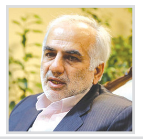

آرامش ایران مرهون دفاع مقدس است
« ۲

نخستین کلینیک اقتصادی کشور مهر ماه در گرگان افتتاح می شود
« ۲

دردی طریک : از مردم متشکرم
« ۱

شرکت فیلمسازی
کاسپین
برگزاری همایش ها و سمینارها،
تهیه فیلم های مستند
گزارشی و عملکرد دوره ای / ساخت
فیلم های بلند و داستانی ویژه ادارات
سازمانهای دولتی و خصوصی
۰۹۱۱۱۷۰۵۴۰۷-۰۹۱۱۹۶۶۵۰۱۷

مدیرکل ثبت احوال گلستان خبر داد

رشد منفی ازدواج در گلستان

در پنج ماهه اول ۱۳۹۴ در استان تعداد هفت هزار و ۷۲۵ واقعه ازدواج ثبت شده که نسبت به سال گذشته ۵٫۸ درصد کاهش داشته است.

«۳»

مهر ، آغاز دوباره فصل دانایی مبارک باد

«۱»

نیازمندیهای
روزنامه گلشن مهر
منتشر شد
۱۲ هزار نسخه
۰۱۷۳۲۲۳۲۴۰۵
اعطای نمایندگی
نیازمندیهای گلشن مهر به
شهرستانهای استان گلستان
برای کسب اطلاعات بیشتر
با شماره ۰۹۱۲۸۴۶۲۱۸۱
تماس حاصل فرمایید.

خبر

همزمان با اولین روز دفاع مقدس؛

جانباز ۷۰ درصد محمودآبادی به برادران شهیدش پیوست

همزمان با اولین روز از هفته دفاع مقدس جانباز ۷۰ درصدی جنگ تحمیلی در محمودآباد به خیل یاران و برادران شهیدش پیوست. به گزارش خبرنگار مهر، پسند پهلوان از یادگاران سرافراز جنگ تحمیلی در شهر سرخ‌رود شهرستان محمودآباد بشمار می‌رود که شش ماه پس از پایان خدمت مقدس سربازی در سپاه و بازگشت ۴۰ روز از شهادت برادر شهید رضا پهلوان به جبهه‌های جنگ اعزام شد.پسند پهلوان در عملیات بیت‌المقدس ۷ و در منطقه شلمچه به درجه رفیع جانبازی نائل شد و در سن ۴۴ سالگی و پس از تحمل ۲۷ سال درد و رنج هم‌زمان با اولین روز هفت دفاع مقدس براثر ایست قلبی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.خانواده انقلابی و شهیدپرور پهلوان در سرخ‌رود سه شهید بانام‌های مرتضی پهلوان، رضا پهلوان و پسند پهلوان تقدیم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران کرد.

مراسم تشییع پیکر این شهید بزرگوار فردا چهارشنبه اول مهر ساعت ۹ صبح در شهر سرخرود و از جنب بخشداری سرخرود تا مهدیه سرخرود ادامه خواهد داشت و پیکر این شهید بزرگوار در گلزار و یادمان شهدای سرخرود به خاک سپرده خواهد شد.

«»

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گلستان:

نگاه سازمان مدیریت به حل مسائل توسعه‌ای استان فنی و کارشناسی خواهد بود

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان گفت: همواره نگاه سازمان به حل مسائل توسعه‌ای استان نگاهی فنی و کارشناسی بوده و خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری فارس از گرگان، حسین پیش‌قدم عصر امروز در جلسه با محمود ربیعی معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی استانداری گلستان با بیان اینکه بزرگ‌ترین سرمایه این سازمان سرمایه نیروی انسانی است، اظهار کرد: به امید خداوند متعال مجموعه سازمانی بر این است که قدم‌های اساسی در توسعه و پیشرفت استان برداشته شود تا بتوانیم اثرات آن را در بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی استان شاهد باشیم.وی تصریح کرد: همکاری دو جانبه مجموعه سازمان مدیریت و استانداری در طی چند سال گذشته در قالب یک واحد سازمانی و اداری اثرات مثبت تجربی و کاری برای دو طرف داشته است و استان گلستان نیز از استان‌هایی بوده که این تعامل و همکاری پررنگ‌تر و تنگاتنگ بوده و این دو مجموعه همواره به نیکی به گذشته نگاه می‌کنند.رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان افزود: قطعا این تعامل در آینده بیشتر از گذشته خواهد بود تا نظام اداری استان بهره‌مندی لازم را از آن برخوردار شود.

* امسال به لحاظ تدوین برنامه ششم سال مهمی برای تاریخ برنامه‌ریزی کشور است

پیش‌قدم افزود: همواره نگاه سازمان به حل مسائل توسعه‌ای استان نگاهی فنی و کارشناسی بوده و خواهد بود و مطمئن باشید همچون گذشته نگاه سیاسی نقشی در تصمیم‌گیری نخواهد داشت زیرا در غیر این صورت بخش مهمی از ظرفیت‌های بالقوه پیشرفت و توسعه استان از بین خواهد رفت.

وی با بیان اینکه لازمه فعالیت در سازمان مدیریت ضمن داشتن تعهد و تخصص ویژگی‌هایی همچون شجاعت، صراحت، شفافیت و صداقت ضروری است، یادآور شد: امسال سال مهمی برای تاریخ برنامه‌ریزی کشور است تدوین برنامه ششم مسئله مهمی است تا بتوانیم اصول اولیه را در برنامه‌ها دنبال کنیم.

خبر

دیدار کارکنان شرکت گاز گلستان با خانواده ایثارگران

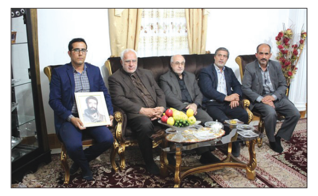

بمناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس مهندس صفرعلی جمال لیوانی مدیرعامل ، اعضاء هیئت مدیره و تنی چند از اعضای پایگاه بسیج شهید گرزین گاز گلستان بصورت جداگانه با خانواده فرزند شهید بزرگوار حسین جهانی و رزمندگان سرافراز مسلم معماری و محمد مهاجر دیدار کردند. به گزارش روابط عمومی در این دیدار صمیمی که با هدف ارج نهادن به مقام و منزلت ارزشمند شهدا و جانبازان ۸ سال جنگ تحمیلی انجام شد مدیرعامل گاز گلستان با حضور در منزل این بزرگواران از نزدیک با خانواده این عزیزان نیز گفتگو کردند. درحاشیه انجام این برنامه ها مهندس صفرعلی جمال لیوانی با ابراز خرسندی ازحضورش در جمع صمیمی و گرم خانواده های بزرگوار شهدا وجانبازان سرافرازضمن ابراز ارادت به این بزرگواران ، یاد و خاطره رشادتهای رزمندگان دفاع مقدس این ایام حماسی را گرامی داشتند. مدیرعامل گاز گلستان در ادامه به تشریح جایگاه ارزنده یادگاران جنگ تحمیلی پرداخت و پاسداری از خون شهداء و صیانت از ارزشهای والای ایثارگران ،جانبازان و رزمندگان عزیز را وظیفه مهمی خواند که باید همه مردم به آن اهتمام و احترام‌بگذارند.

«»

رژه نیروهای مسلح گلستان در هفته دفاع مقدس آغاز شد

رژه‌مقتدرانه‌نیروهای‌مسلح‌استان‌گلستان‌همزمان با سراسر کشور با شعار محوری «ما می‌توانیم با همدلی و همزبانی» در نخستین روز از هفته دفاع مقدس آغاز شد.به گزارش خبرگزاری فارس از گرگان، نمایش اقتدار افتخارآفرینان نیروهای مسلح استان گلستان در مراسم رژه حماسی صبح امروز در نخستین روز از هفته دفاع مقدس با محوریت «نیروهای مسلح، سلحشوری و پایمردی» در میدان بسیج شهرستان گرگان آغاز شد.رژه حماسی نیروهای مسلح از ساعت هشت صبح امروز سه‌شنبه ۳۱ شهریور با تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله قرآن‌مجید و سرود ملی جمهوری اسلامی آغاز شد و قرار است حسن صادقلو استاندار گلستان در میدان بسیج شهرستان گرگان سخنرانی کند.

معاون بنیاد شهید گلستان:

زنگ ایثار در ۳۵ مدرسه شاهد گلستان نواخته می‌شود

معاون فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گلستان گفت: زنگ ایثار در ۳۵ مدرسه شاهد استان گلستان نواخته می‌شود.محمدعلی طالع‌زاری امروز در گفت‌وگو با خبرنگار فارس ضمن گرامی‌داشت هفته دفاع مقدس اظهار کرد: تقارن بازگشایی مدارس با هفته دفاع مقدس فرصت مناسبی برای تبیین ارزش‌های اسلامی، خاطرات جنگ توسط راویان و رزمندگان دفاع مقدس است.وی در خصوص برنامه‌های پیش‌بینی شده اداره‌کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان گلستان در هفته دفاع مقدس تصریح کرد: مراسم عطرافشانی و غبارروبی مزار شهدای سراسر استان و اعزام جانباز ۷۰ درصد علیرضا رهدار نابینا و دو دست قطع به منظور دیدار با مقام معظم رهبری از برنامه‌های هفته دفاع مقدس است.

برگزاری پیاده‌روی خانوادگی به مناسبت هفته دفاع مقدس در گلستان

معاون فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران گلستان از برگزاری پیاده‌روی خانوادگی در روز جمعه سوم مهرماه جاری خبر داد و گفت: حضور در نماز جمعه عبادی و سیاسی همچنین دیدار با خانواده‌های معظم شاهد و ایثارگر از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی شده در طول هفته دفاع مقدس است.طالع‌زاری بیان داشت: مسابقه رالی خانوادگی ایثارگران برای انتخابی رالی کشوری روز دوشنبه ششم مهرماه از امامزاده عبدالله (ع) گرگان تا امامزاده قرن‌آباد برگزار می‌شود.وی از برگزاری انتخابی مسابقات کشوری فوتسال جانبازان به مناسبت هفته دفاع مقدس خبر داد و بیان داشت: این مسابقات روز یک‌شنبه پنجم مهرماه برگزار می‌شود.

نقد کتاب و مسابقه کتاب‌خوانی در کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت برگزار می‌شود

معاون فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران گلستان گفت: کارگاه نقد کتاب اول مهرماه در کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت برگزار می‌شود این کارگاه رأس ساعت ۹ صبح «کتاب بهترین هدیه» به نویسندگی فرخنده رضاپور انجام خواهد شد.

طالع‌زاری از برگزاری مسابقات ورزشی ویژه خانواده‌های شاهد و ایثارگر در سطح استان گلستان خبر داد و بیان داشت: مسابقات دارت، تنیس، تیراندازی، رالی و فوتسال جانبازان در هفته دفاع مقدس برگزار می‌شود.

وی مسابقه کتاب‌خوانی در مکان کتابخانه تخصصی ایثار و شهادت استان گلستان را از دیگر برنامه‌های هفته دفاع مقدس برشمرد و از نقد و بررسی کتاب دفاع مقدس در کتابخانه ایثار و شهادت در استان خبر داد.

خاطره‌گویی جانبازان در مدارس و مراکز دانشگاهی گلستان

معاون فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران گلستان با بیان اینکه برگزاری یادواره‌های شهدا را در شهرستان‌های مختلف خواهیم داشت، افزود: برگزاری یادواره شهدا فرصتی برای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، همدلی و همزبانی است.

نورا رئیس شورای شهر گرگان:

در جهت پیشرفت شهرمان تلاش کنیم

الهه رمضان پور –اولین جلسه هیات رئیسه شورای اسلامی شهر گرگان، با خبرنگاران در حالی برگزار شد که رئیس شورای شهر گرگان با انتقاد شدید از مطبوعات و اصحاب رسانه خواستار پایان دادن به حواشی و اختلافات بین شورا و شهرداری شد. به گفته زهرا نورا؛ مطبوعات این اواخر به حواشی شورا و شهرداری دامن زدند، وی از اصحاب رسانه خواست بدون اظهارنظر شخصی قلم زنند و اجازه دهند مردم خود نتیجه گیری کنند، زهرا نورا، از مخالفان و موافقان شهردار گفت، از اینکه هیچ اختلافی بین اعضای شورای شهر گرگان وجود ندارد، از اینکه نظارت بر عملکرد شهردار از وظایف اصلی شورای شهر است، از اینکه در تمامی دوره های گذشته شورای شهر گرگان، این اختلافات وجود داشت اما متاسفانه در این دوره، مطبوعات و اصحاب رسانه با پرداختن به حاشیه ها و پررنگ جلوه دادن مسائل شورا و شهرداری، وجه شورا و شهرداری را خدشه دار، ساختند.

رئیس شورای شهر گرگان از مخالفان شهردار گفت، از اینکه تذکر به شهردار در پیشبرد امورات شهری، به معنای مخالفت با شهردار نیست. زهرا نورا اضافه کرد: ما امروز دور هم جمع شدیم تا گذشته را فراموش کنیم و در جهت پیشرفت و ترقی شهرمان تلاش کنیم و از اصحاب رسانه خواستارم ما را در این امر یاری سازند. هنوز یک ساعت از این جلسه به اصطلاح رسمی نگذشته بود که رئیس شورای شهر گرگان اعلام کرد برای شرکت در جلسه دیگری باید این جلسه را ترک کند. گویی زهرا نورا فراموش کرده بود که وی به عنوان رئیس هیات رئیسه از اصحاب رسانه برای این جلسه دعوت کرده بود و متاسفانه باید پذیرفت که وی به عنوان رئیس شورای شهر نتوانسته بود جلسه ای که از قبل برنامه ریزی شده بود را مدیریت کند و ادامه این جلسه بدون حضور رئیس شورای شهر (میزبان جلسه) برگزار شد.

کلاتی : دور من را خط قرمز بکشید!

علی کلاتی که در این جلسه از وی به عنوان سناتور نام برده می شد، گفت: در ۴ دوره ای که به عنوان عضو شورای شهر گرگان انتخاب شده ام، همواره به دنبال خدمت به مردم شهرم بوده ام. وی افزود: در دوره اول شورای شهر، فضا برای ریاست اینجانب به عنوان رئیس شورای شهر و یا ریاست یکی از کمیسیون ها فراهم بود اما من به هیچ وجه قصد نداشتم و ندارم که به عنوان رئیس در شورای شهر گرگان خدمت کنم.

به گفته وی؛ در تمامی کمیسیون های شورای شهر گرگان عضو هستم اما به عنوان رییس، دور من را خط قرمز بکشید.

شایان ذکر است؛ خبرنگاران و اصحاب رسانه از اولین جلسه هیات رئیسه شورای شهر گرگان استقبال نکردند و در این جلسه، تعداد زیادی از خبرنگاران و اصحاب قلم حاضر نشدند. همچنین گویی باید به اعضای شورای شهر گرگان متذکر شد در جلسه به اصطلاح رسمی، می بایست گوشی های موبایل خود را خاموش کنند نه اینکه هرکدام بعد از شنیدن زنگ موبایل های خود، جلسه را ترک کرده و بعد از ۵ دقیقه دوباره به جلسه بازگردند!!

مهر ، آغاز دوباره فصل دانایی مبارک باد

مدیر آموزش و پرورش شهرستان گرگان گفت: امسال ۸۰ هزار دانش آموز گرگانی در ۴۵۰ مدرسه شهرستان سال تحصیلی خود را از اول مهر آغاز کردند. به گزارش مهر، نصراله کشیری اظهار کرد: ابلاغ ۵ هزار معلم در سال جدید صادر شده است و نرخ پوشش ما در حوزه ابتدایی امسال ۱۰۰ درصد است. وی با بیان این که همکاری و هماهنگی و همراهی سایر دستگاههای استانی و شهرستانی موجب تسریع در تکمیل پروژه های نیمه تمام و رفع کمبود فضاهای آموزشی شهرستان گرگان خواهد شد، گفت: نیاز سال بعد ما ۹۰ کلاس است و ما در بهترین حالت می توانیم ۱۴۵ کلاس را تحویل دانش آموزان دهیم. مدیر آموزش و پرورش گرگان وضعیت تراکم دانش آموزان در مدارس گرگان در سال گذشته را ۳۱.۶ عنوان کرد و افزود: با توجه به برنامه ریزی های انجام شده، این عدد امسال به ۲۹ نفر در هر مدرسه رسیده است. کشیری با بیان اینکه ۵۷ درصد از مدارس گرگان دو شیفته است، گفت: اعتبارات عمرانی آموزش و پرورش گرگان از یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان در سال گذشته به ۱۲ میلیارد تومان رسیده است. کشیری خاطرنشان کرد: ساماندهی و سازماندهی نیروی انسانی یکی از سیاست‌های آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ است، در همین راستا با برنامه ریزی صحیح میزان ساعت حق التدریس معلمان از چهار هزار ساعت در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ به دو هزار ۸۰۰ ساعت در سال تحصیلی جاری کاهش یافت.

گرگان رتبه اول دانش آموزان غیرانتفاعی کشور

وی صنعت غیرانتفاعی را مهم ترین زمینه در توسعه مشارکت عنوان کرد و گفت: ۲۰ هزار دانش آموز ما سال گذشته در مدارس غیرانتفاعی تحصیل داشتند که حجم بزرگی است که رتبه اول طراز کشوری را در این مدارس دارا هستیم. کشیری تصریح کرد: ما به دنبال افزایش این طراز هستیم ولی همزمان باید سطح کیفی این مدارس را نیز افزایش دهیم. مدیر کل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم در این مدارس گفت: فلسفه ایجاد کانون شناسایی و پرورش استعداد کودکان ۶ تا ۱۷ سال است و این نهاد همچنان با قدرت با رویکرد اسلامی به کار خود ادامه داده است. عبدالرحیم سیفی افزود: رویکرد کانون توجه به فکرو اندیشه و پرورش قدرت تفکر و خلاقیت کودکان و توسعه و ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی است.

فعالیت های کانون پرورش فکری در ۴۲ محور ارائه می شود

وی با بیان اینکه در طول سال فعالیت های ۴۲ گانه با محوریت کتاب به کودکان ۶ الی ۱۷ سال ارائه می شود، گفت: هم اینک ۲۲ مرکز ثابت، سیار شهری و روستایی و کتابخانه پستی کار خدمات رسانی به بیش از ۳۰ هزار کودک و نوجوان را در استان گلستان بر عهده دارند. سیفی از روخوانی کتاب، شعرخوانی، طرح ادبی، بحث آزاد، آشنایی با قرآن و حدیث و احکام، فعالیت های علمی، خوش نویسی، معرفی سرزمین، شخصیت، وقایع و ایام، سفالگری، نمایش عروسکی و خلاق، نقاشی، بازی و سرگرمی، مسابقه، هنرهای دستی و کاردستی، نقد فیلم، نشریه دیواری، تحقیق و پژوهش و قصه گویی به عنوان برخی از فعالیت های ۴۲ گانه نام برد.وی ضمن اشاره به فعالیت کتابخانه های سیار و نیز اجرای طرح کیف کتاب با همکاری نهاد کتابخانه های عمومی اشاره و اضافه کرد: با تهیه ۵۰ کیف سیار و با وجود هفت مرکز کتابخانه سیار تلاش کانون بر این خواهد بود که کودکان و نوجوانان روستایی و مناطق محروم نیز از خدمات فرهنگی هنری کانون بهره مند شوند.سیفی در ادامه ۱۵ تا ۲۱ مهر را هفته ملی کودک عنوان کرد و گفت: شعار امسال این هفته «لبخند کودکان زیباست» نام گذاری شده است و برنامه های متنوعی برای کودکان استان در این هفته در نظر گرفته شده است.

مهر ، آغاز دوباره فصل دانایی مبارک
باد

خبر

فرماندار آق قلا:

آق قلا شهری فرهنگی است

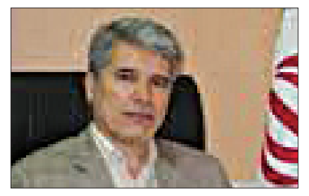

فرماندار آق قلا گفت: خوشبختی ها و بدبختی های ما از فرهنگ نشات می گیرد پس بنابراین لازم است که فرهنگ خود را ارتقا دهیم. فرهنگ تاثیر عمیق به جامعه می گذارد. اگر به فرهنگ بی توجه باشیم آسیب های اجتماعی در جامعه به وجود می آید.

الیاس هیوه چی اظهار داشت : در فکر دیگران زنده ماندن مهم و ارزشمند است. وظیفه ما قدرشناسی از انسان هایی است که برای فرهنگ و هنر زحمت کشیدند. دردی طریک سبک خاصی داشت. ارگان های زیربط توجه کنند کمبودهای گذشته را پر کنند و غفلت های گذشته را جبران نمایند. از ظرفیت های قانونی برای حمایت از هنرمندان بهره ببریم.

«»

شاعر گرگانی:

آثار هنرمندان میراث گرانبهاست

حسین ضمیری شاعر گرگانی گفت: سالهاپیش که برای چندمین بار خدمت استاد موسیقی خراسان شمالی زنده یاد حاج قربان سلیمانی رسیدم از ایشان پرسیدم بخشی کیست؟ استاد سلیمانی ذکر کرد بخشی فردی است که خدا به او ببخشد. سازش را خودش بسازد، خودش بنوازد و خودش بخواند.

این پژوهشگر فرهنگ عامه و فولکلوریک تصریح کرد امروز در مراسم بزرگداشت استاد بخشی دردی طریک می خواهیم بگوییم که نکوداشت و پاسداشت از یک چهره ی فاخر فرهنگی هنری که زندگی خود را وقف حفظ و انتقال تاریخ شفاهی یک قومیت و یک فرهنگ به زبان رسای هنر نموده است در واقع پاسداری از این گوهرهای واقعی متعلق به یک جغرافیای تاریخی و چغرافیایی است. هنگامه ای است که جان در یک لحظه ی واحد سازی و صدایی ماندگار را خلق می کنند که در واقع در حال رخنمون نمودن یک واقعه ی تاریخی هستند. وی افزود: مقام های قدیمی و مقام های که افراد ویژه ای همچون استاد دردی طریک در فرهنگ موسیقیایی این میهن به یادگار می گذارند، میراثی گرانبهاست که می بایست همچون گنجینه ای ستُرگ از آنها پاسداری نمود. امید که دستان دردی طریک بر دوتار جاری، صدایش همچون نسیم بهاری روح نواز و قدمهای بزرگش بر این سرزمین ماندگار بماند. به قول صائب تبریزی : آن نخل ناخلف که تبر شد، زما نبود / ما را زمانه گر شکند ، ساز می شویم . استاد سلام

«»

شهریار و ستار سوقی

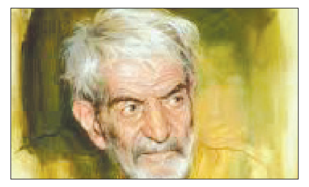

شاعران ترکمن به آثار شهریار شاعر نامی ایران علاقه خاصی دارند. منظومه حیدربابایه سلام شیفتگان زیادی دارد. ستار سوقی شاعر برجسته ترکمن با الهام از حیدربابا ، شعر ربیای قزیل گرگان یا به قولی قاری گرگان / رود خانه سرخ یا رود خانه پیر را خلق کرد که شاهکار ادبی اش محسوب می شود. شهریار همان روزی درگذشت که کریم قربان نفس شاعر بزرگ ترکمنستان وفات نموده بود ستار سوقی در رثای این دو شاعر بزرگ شعری سرود و آن دو را به کوه بلند مانند کرد گفتنی است ۲۷ شهریور روز درگذشت شهریار روز شعر فارسی نامیده می شود.

«»

استقبال از گلشن مهر و فراغی در مراسم دردی طریک

در مراسم بزرگداشت استاد موسیقی ترکمن دردی طریک که جمعه گذشته با حضور گسترده مردم فرهنگ دوست در آق قلا برگزار شد روزنامه گلشن مهر بین حاضرین توزیع شد که مورد استقبال مردم قرار گرفت. این روزنامه صفحه فرهنگ و ادب روز چهارشنبه خود را به استاد موسیقی ترکمن دردی طریک اختصاص داده بود. در این مراسم علاوه بر روزنامه گلشن مهر، مجله فرهنگی تاریخی ادبی فراغی نیز به صورت گسترده توزیع گردید. گوینده مراسم از احسان مکتبی و دکتر ارازمحمد سارلی مدیر مسئول این دو نشریه و همچنین لطیف ایزدی دبیر صفحه فرهنگ و ادب ترکمن در گلشن مهر تشکر و قدردانی کرد.

اجتماعی. فرهنگی. سیاسی. اقتصادی. ورزشی
golshanemehr1@ yahoo.com
صاحب امتیاز: احسان مکتبی
maktabi_Ehsan@yahoo.com
مدیرمسوول: مریم قرآنی
ghorani_maryam@yahoo.com
نشانی: گرگان – خیابان امام خمینی – پاساژ قدس – طبقه سوم – تلفکس: ۳۲۲۴۱۱۹۵-۳۲۲۴۴۳۰۲ – ۰۱۷
نشانی سرپرستی مازندران: ساری–بلوار امام رضا–بعداز هلال احمر–جنب بانک کشاورزی تلفکس: ۳۳۲۵۸۳۳۶–۰۱۱
نشانی سرپرستی سمنان: شاهرود – خیابان ۱۷ شهریور – پاساژ مدرسه قلعه – طبقه دوم – تلفن: ۲۲۲۰۱۷۰
نشانی سازمان آگهی های تهران: تهران – خیابان کریم‌خان – خیابان نجات‌اللهی – کوچه امانی – پلاک ۲۲
واحد ۸ – تلفن: ۸۲۴۲۷ – ۰۲۱
لیتوگرافی و چاپ: جام جم ساری
گلشن مهر
چهارشنبه ۱ مهرماه ۱۳۹۴ / سال هفدهم / شماره ۱۳۶۸

قربان عیدینگیز قوتلی بولسون

صله رحم و دیدار از اقوام و خویشان در این عید پررنگ و شوق انگیز است

دایان دوگونچی --الف – فردا عید قربان است. روزی بزرگ و عزیز. روزی که یادآور عبودیت و بندگی حضرت ایراهیم و فرزندش حضرت اسماعیل است. روزی که بیانگر پررنگ شدن دوستی ها و محبت ها و خاطرات شیرین است.

عید قربان عید تقرب به پروردگار بی همتاست. نزدیک شدن به سرچشمه نور و رحمت. او که لطف و رحمتش بر قهر و غضبش غلبه دارد. عید دوری از هواهای نفسانی و منیت هاست و حاکم نمودن مهر و الفت بر شهرستان وجود و استقرار حیاتی پرمعنا بر مدار تقوا و پاکی و درستی است. عید قربان ، نشانه گذشت و ایثار است . فدا شدن در راه حق و یاران حق است و فدا کردن قدی و بندها در راه خدا و آنچه که به آن دلبسته هستیم.

ب– عید قربان را می توان بزرگترین عید ترکمنها دانست . ملت خداجوی ترکمن در این عید سنگ تمام می گذارند و برای برگزاری هر چه بهتر آن تلاش واهتمامی ویژه دارند. خانه ها رفت و روب می شوند. کودکان لباس نو می خرند و . . .

مردم مسلمان ترکمن یک روز قبل از عید شیرینی سنتی می پزند و به همسایه ها پخش می کنند که به آن در اصطلاح « قوقون « گویند. پس از اقامه نماز وحدت آفرین عید، مراسم قربانی را به جای می آورند. کودکان لباس های نو و زنان و مردان جامه های پاکیزه می پوشند و سفره ها می گسترند و کباب خوری در هر خانه از فقیر تا غنی برپاست. صله رحم و دیدار از اقوام و خویشان در این پررنگ و شوق انگیز است. به مناسبت عید قربان در برخی از مناطق و روستاها تاب های بلند پا می شود. محیط اطراف رنگ و جلوه دیگری پیدا می کند. شادی و نشاط به جامعه خسته و پرمرارت رونق می گیرد.

ج– ایام عید قربان که تا یک هفته به طول می انجامد موسم حضور مهمانان مختلف از اقصی نقاط ایران است. در این ایام مبارک مهمانان زیادی به ترکمن صحرا می آیند. دوستان و آشنایان از قومیت های مختلف، فارس و ترک و کرد و سیستانی و محلی به شهر ها و اوبه ها به خانه های دوستان ترکمن خود می روند . این مروادات از قدیم الایام وجود داشته و باعث نزدیکی و همدلی و همزبانی بیشتر اقوام ایرانی شده است . این دید و بازدیدها سبب می شود که اقوام همدیگر را بهتر و بیشتر بشناسند و با باورها و سنت ها و آیین و فرهنگ و آداب و رسوم هم آشنا شوند. به نظر این قلم عید قربان فرصتی است برای همدلی های بیشتراقوام ایرانی.

د– عید قربان بهانه ای است برای تجدید دیدار و زدودن غبار کینه و کدورت هاست. در جامعه ای که مراودات دوستانه رنگ می بازد و رفت و آمد های خانوادگی کاهش یافته و سنت صله رحم کمرنگ شده است و همسایه از همسایه خبر ندارد و برادر از برادر. ما به اعیاد مذهبی و باستانی بیشتر نیاز داریم. در این عید به قول مولانا همانگونه که جسم و تن ما از طعام فربه می شود ، امید که جان و روح ما نیز از معنویات فربه شود. این جریده را با شعری از شاعر معاصرملا تاجی ایزدی به پایان می برم :

شعله سلیب دوغدی قربان آییمیز/کوب شکر دنگلشدی
قریب باییمیز/ یازیاس ساچاق دوس یار عید دیب /
رحمتینه دوش ادسین خداییمز

به یاد استاد گنبد دردی اعظمی راد

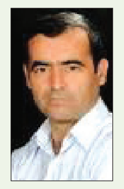

لطیف ایزدی –دو بیتی پرمعنای اقبال لاهوری وسف حال بسیاری از ادبا و علما و نویسندگان و شاعران ماست این شاعر پارسی کوی پاکستانی می سراید:

چو رخت خوش بربستم از این خاک /همه گفتند با ما آشنا بود
ولیکن کس ندانست آن مسافر / چه گفت و با که گفت و از کجا بود

هفته قبل اولین سالگرد وفات نویسنده ی پرتلاش و صاحب نام ترکمن برگزار شد. استاد اعظمی راد با کوله باری علم و تجربه از میان ما پرکشید. ما که به تکرار و روزمرگی دچار شده ایم. او دلی پردرد و سری پرحیرت داشت. امیدوارانه دعوت حق را لبیک گفت. خود به نقل از حافظ میگفت: « جرس فریاد می دارد که بر بندید محملها».نویسنده ای که ادیب بود وخوش قلم. حساس بود وظریف. از عزت نفس برخوردار بود و مناعت طبع داشت. گاه زبانش نرم و گاه تند بود ولی در هر دو حال صراحت بیان داشت .اعظمی راد به ریز و بم ادبیات واقف بود و به خواجه ی شیراز ارادت می ورزید وچون او از ریا و تزویر برمی آشفت. در باره لسان الغیب کتابی نوشت بنام « ایهام در شعر حافظ » که از وقوف او به صناعات ادبی حکایت میکرد. همچنین اثری دیگر خلق کرد با عنوان « مسمط در شعر فارسی ».

وی دانش آموخته ی دانشگاه فردوسی مشهد بود از استادان طراز اول ادبیات فارسی ایران همچون دکتر ریاحی و یاحقی و سجادی بهره ها برد. سالها با عشق و علاقه در دبیرستانها و دانشگاههای گنبد تدریس کرد و به تعلیم و تربیت شاگردان همت گماشت.

استاد روحیه ای حساس و شکننده داشت. بسان خاقانی شروانی زود رنج بود و خود بزرگ بین. و چون حکیم عمر خیام به نوعی کبر و نخوت علمی داشت و ...

استاد اعظمی راد روحیه ای داشت که نقد را برنمی تابید. اما خود ا ز کسانی که فقط به تمجید روی می آورند و از تحلیل و تحقیق گریزانند انتقاد می کرد. از کسانی که به راحتی نقد می کنند بدون اینکه ازفنون نقد آگاه باشند برحذر بود . اول بار مقالات استاد اعظمی راد را در روزنامه گلشن مهر خواندم پخته و پرنکته بود. بعدها سفرنامه اش به ترکمنستان را مطالعه نمودم صمیمی و جذاب بود. از خواندنش بسیار لذت بردم . به نظرم از بهترین سفرنامه هایی است که در باره کشور دوست و برادر ترکمنستان نوشته شده بود. بعدها وقتی به سفر معنوی حج رفت کتاب رهاورد سرزمین وحی را نوشت ولی این کتاب حلاوت گذشته را نداشت و آنگونه نبود که انتظارمی رفت. استاد فقط به ادبیات اکتفا نمی کرد بلکه در زمینه تاریخی نیز قلمفرسایی میکرد . کتاب نگاهی اجمالی به پیشینه ی تاریخی ترکمنها را در این زمینه نوشت . مختصری بود ازتاریخ ترکمنها که قومی اصیل و نجیب هستند. در این اثر زمان گرویدن ترکمنها به دین اسلام را به قرنهای چهارم و پنجم می رساند که جای نقد و تامل داشت .استاد اعظمی راد با همکاری شورا و شهرداری گنبد کتاب سیمای شهرستان گنبد را نوشت اثری مفید در راستای معرفی این دیار تاریخی به گردشگران بود. فرهنگ مادی و معنوی ترکمنها ازدیگر آثار استاد بود. در این اثر از آداب و رسوم و فرهنگ قوم ترکمن سخن رفته بود. فرهنگی که غنی است و پر محتوا و حرفهای زیادی برای گفتن دارد. دوبار با استاد اعظمی راد مصاحبه کردم هر دو بار استقبال نمود . گفتگوی‌مطبوعاتی این قلم باراول در نشریه همزیستی به چاپ رسید و بار دیگرهمین اواخر بود که در اولکامیز و مجله فراغی منعکس شد .استاد به ترجمه نیز پرداخت و با حمایت ارشاد گلستان به ترجمه اشعار مختومقلی همت گماشت در ابتدا در ۴ جلد با عنوان پرنیان هفت رنگ منتشر ساخت ولی بعد بصورت کامل در اردیبهشت سال ۹۲ منتشر شد. ناگفته نماند که استاد اعظمی راد با اداره ارشاد و مسئولین فرهنگی مراودات خوبی داشت .عضو بنیاد گلستان شناسی بود و مقالاتش در قصلنامه پژوهشی آن نشریه چاپ می شد. آخرین کتابش رنج ها و گنج های من بود که اتوبیوگرافی بود و شرح حال زندگی اش به قلم خودش. استاد گنبد دردی اعظمی راد متاسفانه با انجمن میراث رابطه ای نداشت و با بنیاد مختومقلی هم چندان زیاد نبود اما پاتوقشهمشگی اش همچون دیگر نوسندگان و ادبا و شعرا کتابفروشی قاضی در چهارراه شریعتی گنبد بود . راقم این سطور با استاد اغلب اوقات در این کتابفروشی دیدارداشتم و هم کلام می شدم همچنانکه قبل از او با بزرگانی چون ارازمحمد صحنه – اراز محمد ارازنیازی- قربانگلدی آهونبر و دیگران ارتباط داشتم . مغازه ای که با مدیریت فرهاد قاضی پاتوق اغلب شعرا و ادبا و نویسندگان و علاقمندان به فرهنگ و ادبیات ترکمن است.و سرانجام قلم زندگی استاد اعظمی راد خشک شد و برگ کتاب عمرش به پایان رسید وی با بیش از ۷ دهه زندگی با عزت و پس از ۴۰ سال همدمی با قلم و کتاب به دیار باقی شتافت. او رفت ولی آثارش باقی است آثاری که او را چون فرزندانش دوست داشت آثاری که دانشجویان و علاقمندان و فرهنگدوستان ازآن بهره می گیرند.

روحش شاد و یادش گرامی

گفتگو با شاعر سیمین شهری حاج صفردردی طریک

شعر همراز ترین مونس من است

سرویس فرهنگ و ادب ترکمن – حاج صفر دردی طریک شاعر سیمین شهری در گوشه‌ای از این دشت بیکران درون آلاچیق مالداری به دنیا آمد. وسّط چلّه زمستان همان سالی که آب رود گرگان یخ بسته و از جریان افتاده است (۱۳۲۷ شمسی). یگانه فرزند ذکور خانواده بود. محلّ نشو و نمایم روستای پهلوان‌خیز و شاعرپرور قارقی است که اینک با امچلی و متوم به شهر تبدیل شده است. قارقی زادگاه شخصیّت‌های شاعر و نویسنده توانایی مثل نوربردی جرجانی، مرد شاعر طریک، تقی بای حاجی کر و برادرش باباقلی حاجی است. پهلوان‌هایش از شمردن زیادند که یک‌ماه پیش هم در تهران قهرمان آسیا شدند. این شاعر سمین شهری بازنشسته فرهنگی است و در حال حاضر ۹ فرزند و ۱۸ نوه دارد .

چی شد که شاعر شده‌اید؟

اتّفاقی نبود. از کودکی در محیط طبیعی صحرا بزرگ شده‌ام. چاروادرای را نیز تجربه کرده‌ام. گرچه چند سالی دبیرستان و دانشگاه از محیط اصلی دور نگهداشت. خوشبختانه دوران کارمندیم میان اجتماع و فرهنگ خودم بود. همین شرایط بر پختگی بنده در مدنیّت ترکمنی کافی بود تا حاصل اندوخته‌هایم را به شعر درآورم. حالا اگر شاعر باشم!

با شعر می‌خواهید چه بگویید؟

شعر همرازترین مونس بنده است، هیچوقت به شعر پیش‌دستی نکرده‌ام که در قالب آن حرفی بزنم؛ بلکه او می‌گفت این موضوع را به شعر بیان کن. البتّه در ابیاتم بعضی امور را به ناچار ملاحظه می‌کردم؛ زیرا حدیث است: اَملِک لسانَک (یعنی مالک زبان خویش باش).

شعر و شاعری به شما چه داد؟ مزایای شاعری را بگویید.

از چه لحاظ می‌فرمایید؟ او شعر و شاعری داد. اگر از نظر مادّی باشد، آن را حرفه‌ای برای درآمد قرار ندادم گرچه بهترین مقطع عمرم را برایش صرف کردم. کار شاعری برایم عذاب‌آور بود. همه جا پذیرش نداری و به ظاهرت قضاوت می‌شود. مادّی‌ها خیلی قیافه می‌گیرند، امّا از نظر فکری و علمی جایگاه بدی ندارم، پایگاه اجتماعی هم خوب است. البتّه شاعر حرفه‌ای به تمام معنا نشده‌ام. یکی از مزایایش این است که شاعر در امور بنیادی یعنی فرهنگی، علمی و هنری جامعه‌اش نقشی اساسی بازی می‌کند. حالا دست‌کم یک دفتر شعری برای آینده از من می‌ماند. البته اگر به قول استادی ارجمند «شاعر آبگوشتی» نبوده باشم.

شعر و شاعری از شما چه گرفت؟ مشکلات شاعر بودن چیست؟ این سوال جنابعالی آن روی سوال بالاست.

آنچه شاعری از من برد، کوتاه آمدنم بود در ساختن بسیاری از واقعیّت‌ها؛ حالا هرچه بود پر کشید و رفت. از مشکلات این حرفه مثلاً حمایت نیست و جز یک گروه اندک ادبی هم‌خط، دیگران کم تحویل می‌گیرند. حتّی در خانواده‌ها هم دلخوری پیدا می‌شود. شعر می‌خواهد به خاطر حسّاسیت‌های شعوری تاثیر روانی منفی نیز ایجاد کند.

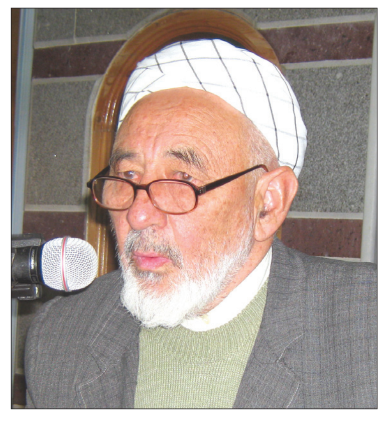

نظر شما درباره شعر امروز ترکمنی چیست؟

به نظرم شاعرانی که بی‌سواد هستند و از هیچ کانالی تاثیر نگرفته‌اند، به مراتب بهتر از شاعران باسوادمان می‌سرایند. آنها در کارشان طبیعی پیش می‌روند. در ابیات‌شان گرته‌برداری نیست؛ به جریانی و سبک بیان این‌وری یا آنوری‌ها متوسّل نمی‌شوند. هرچند در سخن خود خیلی ساده فکر می‌کنند. امّا این باسوادها، هم در قالب و هم در طرز فکر تقلید می‌کنند. بعضی به ژست ادبی مایلند البتّه نه همه.

چرا مختومقلی و مسکین قلیچ ماندگار شدند؟

وقتی یک اثر پایگاه اجتماعی قوی پیدا کند، ماندگار خواهد شد. در موسیقی هم همین‌طور است. بعضی از شاعران به اصطلاح شاعرک‌های امروزی آنها را کهنه‌شده می‌پندارند. می گویند کلاسیک دیگر مشتری ندارد. غافل از ظرافت‌های ادبی و پیام‌هایی که در آنها با فنون بسیار زیبای ادبی بیان شده اند. و خود از آوردن چنین سخنان عجیب و جذّاب و ماندگار ناتوانند.

چرا تخلّص خود را فُراتی گذاشتید؟

یکی از دوستان فرمایش داشتند که باید اسم شناسنامه‌ای ما خالص ترکمنی باشد. در حالی که اسم و طایفه من کاملاً ترکمنی امّا اسم ایشان صد درصد عربی بود و یک فامیل عربی هم انتخاب کرده بود. مگر بر یک شاعر ترکمن به بهانه شعرش واجب است حتماً تخلّص ترکمنی داشته باشد؟! من در شعرم آنچه به ترکمنی باید بگویم، گفته‌ام. آدم نباید خیلی دُگمی یا جزمی فکر کند. حالا این تخلّص را اگر بعضی‌ها حوصله ندارند بر ابعادش فکر کنند، من چکار کنم؟! این آدم‌ها به بعضی ابیات شعر هم چانه می‌زنند، خوب تقصیر من چیست؟! فرات یعنی چشمه‌ای صاف و زلال که اصلش در بهشت است و در دنیا هم رود یا چشمه را فرات نام نهاده‌اند. از آنجا که آب شیرین باعث رشد کائنات و سیراب شدن تشنگان است (کلُّ شئ حیٌّ بالماء)، سخن شیرین هم سبب طراوت روح می‌شود. حالا اگر چنین سخنی داشته باشم.

کی آثارتان را چاپ خواهید کرد؟

عجله ندارم. هر وقت سرمایه‌اش را داشته باشم. لطیف جان نمی‌خواهی اسپانسر ما باشی؟! (با خنده)

مهمترین دغدغه شما چیست؟

دغدغه از چه نظر؟ یکی از دغدغه‌هایم این است که ادبیات ترکمنی را به نسل جدید باید انتقال داد. امّا دشوار می‌نماید. متاسفانه علاقه‌نشان نمی‌دهند.

در مورد بحران مخاطب سخن بگویید. چرا مردم از شعر گریزانند؟

این سوال تقریباً مشابه بالایی است. تاسیستماتیک کار نشود، مخاطب کم ظهور می‌کند. باید مثل آموزش و پرورش پیش برویم. آسیب‌ها را بشناسیم. علاجش کنیم. بیشتر بنویسیم و زود زود چاپ کنیم و به مردم برسانیم. از رسانه‌ها حداکثر کمک تبلیغاتی را بگیریم. حمایت مالی موثّر داشته باشیم. با فرهنگ‌های همگون خارجی ارتباط برقرار کنیم. از تجربه‌های دیگران استفاده کنیم. تا بحران مخاطب خنثی شود. در مورد قسمت دوّم سوالت بگویم که مردم از شعر گریزان نیستند. مگر ندیدید که تماشاچی‌ها در شب‌های شعرِ جشن عروسی‌ها چقدر استقبال می‌کنند. در ثانی اهل قلم و اهل مطالعه هم خیلی داریم. هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها را هم باسوادها می‌خوانند. به آینده امیدوارم.

چرا آثار شاعران کمتر به فروش می‌رسد؟

شاید توان خرید کمتر باشد. خود اثر هم جذّابیت داشته باشد.

بیتی زیبا از اشعارتان بخوانید.

اینر دیدی آرلاب یاتان یریندان /دورانلردان بولمانگ بولینگ یوراندان
یعنی ایستا نباشید بلکه پویا باشید و پیش بروید.

زبان شعر با زبان موسیقی چه فرقی می‌کند؟ آیا به موسیقی علاقمندید؟

همین زبان بشری در واقع همان زبان شعر است. هر چه زیباتر بکار ببریم، شعر خوبی خلق می‌شود. در نثر هم بدین شیوه است. ادیبان بزرگ نثری بسیار عالی دارند که بر بعضی شعرها می‌چربد. زبان موسیقی از انواع صداها حاصل می‌شود. و مهمترین ابزارش گوش شنواست. صداها عواطف درونی را بیدار می‌کنند از جمله: غم، شادی، گریه، خنده و... که کار موسیقیدان‌ها و نوازندگان زبردست است، مثل ابونصر فارابی و.... جنابعالی دیدید که برای کر و لال‌ها چگونه اخبار اجرا می‌کنند. آنها از اشارات و شکل‌های دست صحبت را درمی‌یابند. در موسیقی هم با انواع صداها، مفهوم یا پیام را می‌رسانیم. وقتی سازی نواخته شود، خوب گوش کنیم و به عالم آن برویم، می‌فهمیم از چه موضوعی می‌گوید. می‌پرسید به موسیقی علاقه دارید؟ بله خیلی، امّا نتوانستم دوتار بزنم. با دوستان نشست‌هایی داریم و من آواز می‌خوانم.

سخن آخر؟

من حرف‌های اوّل و آخرم را در اشعارم آورده‌ام.
با تشکر، به سلامت. سرافراز باشید

نمونه ای از اشعار حاج صفردردی طریک را در ذیل می خوانید :

قلمیم
ناچه گوندر سرداشیم/قلمیم دیل یارانوق
بیلمیارین حالیندان/ آچیق خبر برانوق
نیلاین اکیز تآیم/ بیر اچردا بیر اوزی
یاتیر گوزین آچمانی /برانیم ایبب ایچمانی
قاناتیندان دگن تک/ تاویسمانی اوچمانی
نشتریالی قلمیم/کوتدک قآلجاق حیلی دال
بیله بیر عقلی چووغدر /هآی هواسلی کویلی دال
آق کاغذه یان بریب/ یاداب یاتجاق حیلی دال
ناچه گوندر قارداشلر/ یوقلایان یوق قلامی
مگرادان ایشلاری/ چیگدیمی یا چاله می؟

خبر

دردی طریک : از مردم متشکرم

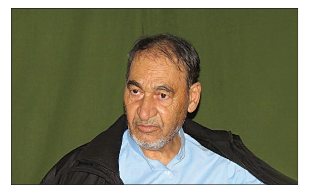

باخشی دردی طریک پس از مراسم بزرگداشتش به خبرنگار گلشن مهر گفت: از زحمات دست اندرکاران این مراسم به ویژه شورای شهر آق قلا و شهردار سپاسگزارم. امروز زحمت های من به نتیجه رسید. برای من معلوم شد که مردم قدرشناس هستند و دریافتم که ایل پشتیبانم است. از همه متشکرم. خداوند به همه اجر دهد.

«»

موسیقی و علمای قدیم

شاه دردی آخوند ایزدی خبرنگار بخش ترکمنی رادیو گرگان در باره نقش و اهمیت موسیقی گفت: با موسیقی می توان مردم را جذب کرد و به فضایل و اخلاق حسنه دعوت نمود.وی افزود: علمای قدیمی ترکمن به مانند نظر اخوند قرنجیک و قولمان آخوند گرگز در قبال هنر سختگیر نبودند و با مدارا و تساهل و تسامح برخورد می کردند و موسیقی را رد نکردند . این شاعر آق قلایی افزود: آتجان آخوند قوجق در مراسمی در قارقی گفت: خدا اگر بخواهد یکی را باخشی یا شاعر و دیگری را روحانی قرار می دهد. در آن مجلس وی نگذاشت که در حق هنرمندان سخنان ناحق زده شود.

«»

موسیقی ترکمن مظلوم مانده است

هوشنگ عظیمی محقق موسیقی گفت: مردم ترکمن هنرمند پرور و پاکدل و پاکدست هستند . این قوم افتخارات بزرگی در طول تاریخ داشته است. بزرگانی چون مختومقلی و ملانفس را در زمینه شعر و ادبیات و استاد قراق پنق و باخشی دردی طریک را در حوزه موسیقی به جامعه تقدیم نموده است. این فعال تهرانی افزود: جایگاه هنری و موسیقیایی دردی طریک فراتر از واژگان خلیفه و استاد است. چراکه این هنرمند ترکمن صاحب سبک است. عظیمی تصریح کرد : با قوم ترکمن زندگی کردم و گاها مرا ترکمن خطاب می کنند. بزرگترین ممالک اولویت اولشان فرهنگ است. اگر چه ما به آسفالت و ماشین و ... نیاز داریم. وی افزود: برای هنرمندان باید شغل ایجاد شود. خلیفه دیگر دغدغه معیشت نداشته باشد.موسیقی سنتی ترکمن مظلوم مانده است. آرزو می کنم قطعات باشکوه دردی طریک به صورت کتاب منتشر شود.

«»

یادکرد ستار سوقی از ۵۰ سال قبل

ستار سوقی شاعر شهیر ترکمن گفت: از روابط دوستانه من و دردی طریک ۵۰ سال می گذرد. من در ۱۵ سالگی شروع به سرودن کردم . دردی در ۱۵ سالگی دوتار می نواخت و در ۱۶ – ۱۷ سالگی شروع به خوانندگی کرد. من به عشق صدای دردی می سرودم و در آن سالها صدای دردی بسیار زیبا و جذاب بود. خالق مجموعه شعر ساوچی افزود: در آن ایام ما با دوستان هر هفته با پای پیاده از صحنه سقلی به آق قبر می رفتیم و مهمان دردی طریک بودیم. دردی از اشعار عمویش جان محمد آقا، بایرام ستاری و من می خواند. صدای دردی دیگر تکرار نمی شود. در ۱۸ الی ۲۰ سالگی دنیا را تکان داد. نوربردی قلی اف گفت صدای دردی را از رادیو گرگان می شنیدم و به کسانی که اطرافم بودند می گفتم بشتابید خواننده ای از ایران پدید آمده است صدایش جادو است.

«»

ایل هنرمندانش را تنها نمی گذارد

ارازدردی خوجه هنرمند بندرترکمنی گفت دردی طریک جز خدمت به خلق ، دغدغه دیگری نداشت . او با تمام مقام و جایگاه هنری اش متواضع بود و بر مانت نگذاشت. این گوینده توانمند افزود: نسل آینده حق دارند هنرمندانی چون دردی طریک را بشناسد. امروز دردی طریک تنها نیست. حامی او ایلش است. امروز آوراز های پرمعنای « فلک منی قریب قویب خوار ادمور» با صدای دردی طریک در گوشی های جوانان شنیده میشود که ارزشمند است.